

# نهادهای هویت‌ساز در دوره پهلوی اول : نمونه [سازمان پرورش افکار]

علی اکبر مسگر

## مقدمه:

روی کارآمدن رضا شاه و تشکیل سلسله پهلوی در سال ۱۳۰۴ شمسی را باید سرآغاز دوران حکومت مطلقه مدرن ایرانی دانست. دولت مطلقه پهلوی در شرایط و مقتضیاتی پدیدار گردید، که لزوماً میبایست به نوسازی بپردازد خواسته‌های انباشت شده گروه‌های اجتماعی گوناگون، ناکامی کابینه‌های پس از استقرار مشروطیت و مهمتر چشمداشتهای نیروی اجتماعی همراه و حامی دولت مطلقه، این دولت را برآن داشت که عهده‌دار انجام پروژه نوسازی در ایران باشد. به علاوه استقلال نسبی ساخت دولت مطلقه، امکان پرداختن به پروژه نوسازی را فراهم میآورد.<sup>۱</sup>

البته باید در نظر داشت که در عصر جدید و پیرایش دولتهای مدرن، ملت سازی و هویت سازی اجتماعی توسط ساز و کارهای نهادینه شده دولت مدرن و ابزارهای آن ساخته و پرداخته میشود و یا به تعبیر دقیقتر، دولتهای مدرن، نظر به کار ویژه اصلیشان، هویت اجتماعی را خلق می کنند و می آفرینند بدین لحاظ پیدایش هویت اجتماعی در این دوره را باید فرآورده دستگاه‌های مختلف دولت مدرن دانست.<sup>۲</sup>

اصلاحات و نوسازی فرهنگی رضاشاه بر سه محور ناسیونالیزم باستانگرا، تجددگرایی و مذهب زدایی می - چرخید. از جمله اقدامات رضاشاه در محور نخست، به تأسیس نهادهای نو پدید، ترویج باستان گرایی با تأکید بر یکتایی نژاد آریایی پرداختن به تاریخ شاهان قدیم و نشان دادن عظمت دولت‌های شاهنشاهی ایران، تأسیس فرهنگستان زبان فارسی، بازسازی آثار باستانی، برگزاری جشن هزاره فردوسی و سازمان فرهنگی

تحت عنوان پرورش افکار که موضوع بررسی مقاله حاضر نیز می‌باشد میتوان اشاره کرد تجدد گرایی و تضعیف ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی، مانعی جدی بر سر راه فرایند مدرن سازی و به تبع هویت‌سازی جدید به شمار می‌رفت به عبارت بهتر تأسیس و توسعه سازمان‌های فرهنگی و انجمن‌های روشنفکری و در ادامه آن تأسیس مدارس جدید و نیز تغییر نظام آموزشی از جمله فعالیت‌های بود که در این دوره با اهتمام جدی پیگیری و انجام شدند.

در واقع در پژوهش حاضر قصد آن داریم تا سازمان پرورش افکار را در راستای پروژه هویت سازی و به یک معنا یکی از عناصر آن را در تعامل با جامعه و دولت در دوره پهلوی اول بررسی کنیم.

### سازمان پرورش افکار:

سازمان پرورش افکار سازمانی بود که در جهت ساختن پشتوانه ایدئولوژیک و مشروعیت برای رژیم رضاشاه فعالیت می‌کرد و از جمله سازمانهایی بود که به تقلید از آلمان نازی و ایتالیای فاشیست به وجود آمد.<sup>۲</sup> این سازمان در دی ماه سال ۱۳۱۷ شمسی با تأمین منابع مالی چشمگیری [متناهی] از قبیل وزارت فرهنگ، شهرداری، تربیت بدنی، عوارض سینماها و آموزش و پرورش تأسیس شد. تعدادی از شخصیت‌های برجسته به ریاست دکتر متین دفتری عضو آن بودند.<sup>۴</sup> این سازمان به برگزاری سخنرانیهای عمومی هفتگی توسط صاحب نظران مشهور و شناخته شده اقدام کرد و سخنرانان طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات از جمله اخلاق، تاریخ، بهداشت، ادبیات، علوم اجتماعی، آموزش تجدد و میهن پرستی و وفاداری به شاه و ذکر پیشرفت‌های نمایان کشور در سالهای اخیر را به بحث می‌گذاشتند.<sup>۵</sup> و به توجیه اصلاحات و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی حکومت رضاشاه می‌پرداختند. از مهمترین اقدامات این سازمان ترویج باستانگرایی و آریاگرایی و توجیه اقدامات حکومت در این زمینه بود. در اکثر سخنرانیها تلاش میشد که شعار اساسی این دوره [خدا - شاه - میهن] را در ذهن مردم قابل پذیرش ساخته نظام شاهنشاهی را جزئی از روحیات مردم ایران و شاه را یکی از مهمترین ارکان جامعه ایرانی بیان کنند که بدون آن جامعه ایرانی امکان بقایش را از دست می‌دهد.

نگاهی به اسناد این سازمان باستان گرا ماهیت آن را تا حدی آشکارتر می‌کند. یکی از این اسناد سخنرانی حسین معتمدی در تاریخ ۱۳۱۸/۷/۲۲ ش است که در قسمتی از آن می‌گوید: «شاه پرستی به منزله بزرگترین پایه‌ایست که عظمت کشور بر آن قرار گرفته است، نیاکان ما بزرگترین فرضیه‌ای را که برای خود می‌دانستند خدا پرستی، شاه دوستی و میهن پروری بوده است و همیشه و رد زبان‌شان جز [خدا - شاه - میهن] چیز دیگری نبوده است بالاترین افتخار برای یک ایرانی این بوده است که حسن شاه پرستی و میهن پرستی بدو نسبت دهند ما نیز که نوباوگان این آب و خاک و جگر گوشگان آن نیاکانیم این حسن شریف را باید داشته باشیم. زبانمان جز به یاد شاه گشوده نشود و گوشمان جز به فرمان او نباشد»<sup>۶</sup>

در این سندالقاء اندیشه شوونیزم شاهنشاهی به خوبی آشکار است و حتی می‌گوید که زبان ما جز به یاد شاه نباید گشوده شود، که یاد شاه جای یاد خدا و پروردگار را می‌گیرد. در سفر دیگری لسان سپهر فرماندار

و رئیس پرورش افکار کاشان خطاب‌های با عنوان «سلطنت سه هزار ساله» ایراد کرده که در آن ابتدا شروع به ذکر شاهنشاهی‌ها و شکوه عظمت سلسله‌های ایرانی قبل اسلام کرده و از «سر پادشاهان کیومرث شروع کرده و پس به ذکر بزرگی‌های جمشید و داریوش پرداخته و با آمیزهای از افسانه و تاریخ، شاهنشاهی‌های آنان را به سلطنت رضاشاه پیوند زده است و سعادت و خوشبختی ایران زمین را تنها در گرو این خاندان با فر و شکوه می‌داند.»<sup>۷</sup>

علاوه بر چنین سازمانی که در خدمت اهداف فرهنگی رضاشاه بودند آموزش و پرورش و همچنین دانشگاه تازه تأسیس تهران نیز در خدمت جریان ناسیونالیسم افراطی رضاشاه بودند. «جای تردید نیست که رضاشاه نظام آموزشی خود را به عنوان وسیله‌ای برای یکپارچگی جوانان مملکت و تلقین اندیشه‌های ملی‌گرایانه در جوانان و پیر مردان متمایل به نوگرایی به کار برد.»<sup>۸</sup>

اساسنامه سازمان پرورش افکار [مصوب هیئت وزیران، مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۱۷] ماده ۱- برای پرورش و راهنمای افکار عمومی سازمان خصوصی بنام سازمان پرورش افکار تأسیس می‌شود.

ماده ۲- سازمان پرورش افکار دارای یک هیئت مرکزی در پایتخت و شعب در شهرستانها خواهد بود.  
ماده ۳- هیئت مرکزی تشکیل میشود از نمایندگان دانشگاه - یک یا دو نفر از مدیران دبیرستانها- رئیس آموزش سالمندان - رئیس اداره پیشآهنگی - رئیس اداره راهنمای نامه‌نگاری اسامی این اشخاص را وزارت فرهنگ معین بتصویب هیئت وزیران میرساند. لدی الاقتضا ممکن است اشخاص بصیر و مطلع دیگر بتصویب دولت هیئت مرکزی ملحق شوند.

ماده ۴- رئیس هیئت و رئیس دبیرخانه آن بتصویب دولت معین خواهد شد.  
ماده ۵- سازمان پرورش افکار برای انجام وظایف خود از وسایل ذیل استفاده خواهد کرد:  
روزنامه‌ها- رساله‌ها- کتب کلاسیک و کتب عام المنفعه - سخنرانی عمومی - نمایش و سینما - رادیو موسیقی - و سرودهای میهنی و امثال آن.  
ماده ۶- هیئت مرکزی دارای کمیسیون‌های فرعی برای امور ذیل خواهد بود: کمیسیون مطبوعات - کمیسیون کتب کلاسیک - کمیسیون سخنرانی - کمیسیون نمایش - کمیسیون رادیو- کمیسیون موسیقی - روسای این کمیسیونها به وزارت فرهنگ از طرف دولت انتخاب می‌شوند. اعضای کمیسیونها را جلب نظر رئیس از طرف هیئت مرکزی تعیین می‌شوند.

ماده ۷- وزارت فرهنگ در مرکز و شهرستانها آموزشگاهی فوراً تأسیس میکند که کلیه آموزگاران و دبیران در آن شرکت کرده، ترتیب واسلوب پرورش افکار دانش آموزان و سالمندان را فراخواهند گرفت.  
ماده ۸- در شورای دانشگاه طرحی تهیه خواهد شد که مطابق آن هر یک از دانشکده‌ها مأمور می‌شوند تعلیمات لازم در شورای دانشکده برای پرورش افکار دانشجویان به استادان دانشکده بدهند.

ماده ۹- وزارت فرهنگ طرح اساسنامه تهیه و بتصویب دولت خواهد رساند که مطابق آن برای بهترین نویسندگان مطبوعات - بهترین مؤلف - بهترین سخنران - بهترین سرودساز - بهترین تئاترنویس - جوایزی

برقرار شود. همه ساله هیئت ممیزه برندگان این جوایز را تعیین و جوایز با تشریفات مخصوص اعطا می-شود.

ماده ۱۰- رؤسای فرهنگ شهرستانها به مرکز احضار میشوند برای گرفتن تعلیمات خصوصی که هر یک در حوزه اداری خود با مشارکت فرماندار سازمان پرورش افکار را تشکیل داده و اداره نمایند.

ماده ۱۱- کمیسیون رادیو مأمور است برنامه جامع تنظیم و به تصویب دولت برساند که بترتیب منظم اخبار و نطقها و موسیقی و غیره برای پرورش افکار عمومی بوسیله رادیو پخش شود.

در مرکز کشور بلند گوهایی در امکنه عمومی برای شنیدن رادیو نصب خواهد شد. کمیسیون رادیو باید فوراً شروع بکار نماید تا هنگام دایر شدن دستگاه رادیو در تهران برنامه شش ماه آن قبلاً آماده باشد.

ماده ۱۲- کمیسیون کتب کلاسیک مأمور است در کتب درسی دبستانها اصلاحات سودمند بعمل آورده، افکار میهن دوستی و شاه پرستی را در مندرجات آنها بوجه مؤثری بپروراند.

ماده ۱۳- کمیسیون مطبوعات مکلف است دو سبک نامه نگاری اصلاحات اساسی بعمل آورده. زمینه های مفیدی برای نشو و نما مقالات مؤثر و تصاویر جالب تهیه کرده اهتمام نماید که عده کافی نویسنده تربیت و آماده شود وسایل طبع از حدیث مرغوبیت کاغذ و چاپ فراهم گردد.

ماده ۱۴- کمیسیون سخنرانی دستور مجالس سخنرانی که در مرکز و شهرستانها برپا میشود تهیه کرده و مراقبت خواهد نمود که عده کافی سخنران فراهم شده و خطابه ها در زمینه واحد برای پرورش افکار عمومی ایراد شود.

ماده ۱۵- کمیسیون موسیقی مأمور است در اصلاح موسیقی کشور بوسیله ترویج موسیقی علم اهتمام نماید که با ایجاد آهنگهای مهیج و سرودهای میهنی و نواهای فرح انگیز روح نشاط و کار کوشش را در مردم تقویت کند.

ماده ۱۶- برای پرورش افکار خدمتگذاران دولت در هر وزارتخانه وسایل و مجالس سخنرانی و آموزشگاههای مخصوص تأسیس و دایر خواهد شد. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* نخست وزیر: محمود جم

[امضاء]

سازمان هیئت مرکزی و کمیسیونهای پرورش افکار [ مصوب هیئت وزیران مورخ ۲۱ دیماه ۱۳۱۷ ]  
هیئت وزیران در جلسه ۲۱ دیماه ۱۳۱۷ پروتویینامه شماره ۱۳۸۹۲ مصوب ۲۱ دیماه ۱۳۱۷ راجع بسازمان پرورش افکار مواد ذیل را تصویب نمودند:

ماده ۱- بنا بر پیشنهاد وزارت فرهنگ آقایان ذیل بکارمندی هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار انتخاب میشوند: دکتر صدیق - دکتر شایگان - دکتر آشتیانی - فروزانفر بعنوان نمایندگی دانشگاه فرهودی بعنوان ریاست آموزش سالمندان پازادگاد بعنوان رئیس پیش آهنگی - فرامرزی بعنوان کفالت اداره راهنمای نامه نگاری - علی اشرف ممتاز رئیس دانشسرای دختران.

ماده ۲- بنا بر پیشنهاد وزارت فرهنگ رؤسای کمیسیونهای فرعی بطریق ذیل انتخاب میشوند:

الف: جناب آقای بدر رئیس کمیسیون رادیو.

- ب: جناب آقای علی نصر  
رئیس کمیسیون نمایش.
- ج: جناب آقای غلامحسین رهنما  
رئیس کمیسیون کتابهای درسی.
- د: جناب آقای سروان مین باشیان  
رئیس کمیسیون موسیقی.
- ه: جناب آقای محمد حجازی  
رئیس کمیسیون مطبوعات.
- ماده ۳- ریاست هیئت مرکزی بعهدہ آقای کنفیل وزارت فرهنگ و ریاست دبیرخانه با آقای حسین فرهودی خواهد بود.
- ماده ۴- جناب آقای دکتر متین دفتری وزیر دادگستری از طرف دولت در سازمان پرورش افکار نظارت خواهند داشت.
- ماده ۵- رؤسای کمیسیونها همواره در جلسات هیئت مرکزی حق حضور و شرکت در مشاورت را دارند.
- نخست وزیر: محمود جم

### نتیجه گیری:

همانگونه که توضیح داده شد، در دوران جدید [دوره پهلوی اول] هویت اجتماعی به طور عام و هویت ملی به نحو خاص با قدرت سیاسی پیوند عمیقی دارد به بیان دیگر هویت اجتماعی را باید به نوعی برآورده قدرت سیاسی دانست. دولت مطلقه مدرن پهلوی، به دلایل و ملاحظات که شرح آن گذشت، مجال ایجاد تغییراتی را در وضع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایرانیان بدست آورد. این تغییرات در چارچوب گفتاری صورت گرفت که از آن تحت عنوان تجدّد یاد میشود، رضاشاه و هم پیمانان او پروژه تغییرات اجتماعی را بر پایه گفتار تجدّد به اجرا درآوردند، هویت سازی اجتماعی اجزائی از پروژه تجدّد و نوسازی محسوب میشود که به نحو گریز ناپذیری در روند اجرای این پروژه ظهور مییابد و به شکل گیری سوژه ایرانی منجر میشود، سوژه ایرانی در چارچوب تنگناها، ضرورتها و محدودیتهای پروژه تجدّد ساخته و پرداخته میشود. به بیان دقیقتر تا شرایط و روابط قدرت سیاسی به طور اجتناب ناپذیری بر کیفیت پیدایش سوژه ایرانی تأثیر گذار بود. از این رو با غلبه ساخت دولت مطلقه پهلوی روند پیدایش هویت ملی ایرانی نیز دچار دگرگونیهای مستمر شد و سوژه ایرانی در چارچوب پروژه تجدّد دولت مطلقه پهلوی با شکل و شمایل خاص پدیدار گشت و در هر صورت پیدایی و پیاپایی این پروژه (هویت سازی جدید) با اتکا به ابزار و نهادهایی صورت میگرفت سازمان پرورش افکار به عنوان یک نهاد از یک سو عمل و واسطه تجدّد بود و از سوی دیگر روحیه رجعت به گذشته در غالب باستان گرایی را تبلیغ میکرد.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- اکبری، محمدعلی، تبار شناسی هویت جدید ایرانی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۴. ص ۲۲۳.
- ۲- همان ص ۶-۲۲۵.
- ۳- آبراهامیان، یراوند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۴- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله، ج ۶، ناشر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۵- فوران، جان، مقاومت شکننده، احمد تدین، ج دوم، مؤسسه فرهنگ رسا، تهران، ۱۳۷۱.
- ۶- دلفانی، محمود، فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه (اسناد منتشر نشده سازمان پرورش افکار)، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۵ ص ۳۷.
- ۷- همان، ص، ۶۰، سندشماره ۱۰۸۱۱/۳۲۶۶
- ۸- آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران، ج ۲، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، موسسه انتشارات عطایی.
- ۹- اساسنامه سازمان پرورش افکار، مصوب هیئت وزیران ۱۲ دی ۱۳۱۷ سازمان اسناد ملی ایران شماره تنظیم ۱۰۸۰۱۱ و شماره پاکت ۳۲۵۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی